



نگاهی به جایگاه زن در قانون و آداب و رسوم کشور تایلند

تایلند، کشوری است واقع در جنوب شرقی آسیا در همسایگی مالزی، کامبوج و میانمار (برمه سابق). یعنی در منطقه‌ای بین هند و چین این موقعیت جغرافیایی، فرهنگ تایلند را به نحوی تحت تأثیر قرار داده که آن را از هر لحاظ، در جهان منحصر به فرد کرده است. و فرهنگ این کشور هنوز تحت تسلط کامل فرهنگ هند و چین قرار دارد. این موضوع در ابعاد مختلف فرهنگ تایلند نظیر اعتقادات مذهبی، اعمال، مراسم ملی، جشنواره‌ها، هنر، معماری و راه و روش تشکیل حکومت تایلند کاملاً مشهود است. یکی از جمع‌های مهم فرهنگ تائی، موروثی را جزه اموال خود دانستن بود. در این سرزمین از ریشه‌های قدیم هنگامی که بین گروه‌ها و نژادهای مختلف جنگ در می‌گرفت طرف پیروز بر خلاف رسوم اروپائیان، تنها به گرفتن سرزمین بسنده نمی‌کرد، بلکه مغلوب به حضرت گروه غالب، در آمده و همانند دیگر افراد، به یک عنصر تولیدکننده جامعه پیروز در جنگ تبدیل می‌شد. با انسانها در گذشته، فتودالها برخوردار می‌شدند با دیگران داشتند در حالی که خود فتودالها تحت سیطره شاه بودند، مردم بر اساس مهارت‌ها و توان، به طبقات مختلف تقسیم می‌شدند.

خانواده کوچکترین واحد جامعه و نخستین نمونه فتودالیسم جامعه شناخته می‌شد. در قانون اساسی قدیمی، ترتیبی در نظر گرفته شده بود که رئیس خانواده می‌توانست زنان و فرزندان خود را به جرمهای سنگین مدنی و جنسی محکوم نماید. این محکومیت نه به خاطر اینکه آنها اعضای خانواده به شمار می‌رفتند بلکه بر اساس موقعیت مغلوب بود نشان بود که از آنها غلام و برده خانواده می‌ساختند. این ترتیب رئیس خانواده را قادر مطلق دانسته و برای او حق مالکیت قابل بودند. امروزه موقعیت زن و فرزند در خانواده تغییر یافته و قانون قدیم چندان در میان خانواده‌های تایلندی قابل قبول نیست.

رسوم و قوانین خانواده در گذشته:

قبل از بررسی سیمای زن در قوانین مربوط به خانواده در تایلند لازم است که اوضاع قانونی و اجتماعی زن در تاریخ این کشور را مد نظر قرار دهیم.

اولین قانون ازدواج در سال ۱۳۶۲ میلادی مقارن با حکومت شاه چاکرایادی (سلسله آیوتایا) وضع گردید که از آن تاریخ تا عصر جدید، تغییر چندانی در آن صورت نپذیرفته است. این قانون در سال ۱۳۶۳ میلادی اصلاح گردید و تا سال ۱۸۰۵ به مدت بیش از چهار قرن اجرا شد.

در زمان سلطنت رامای چهارم و رامای پنجم سلسله چاکری (۱۸۵۱-۱۹۱۰ میلادی) مجدداً تغییراتی در قانون فوق داده

شد که تا قبل از تدوین قانون جدید جزایی در سال ۱۹۳۵ میلادی همان قانون اجرا می‌گردید. در قدیم زنان در کارهای اجتماعی کمتر شرکت می‌کردند اما در محیط خانواده فعال بودند و در امور هنری (محلی) تبحر خاصی داشتند. زنان در طول سالیان دراز، علی‌رغم آزادی محدود، نفوذ زیادی بر مردان (شوهران و فرزندان) داشتند و بر اساس قانون، مردان یا زنان، رفتاری مهربان و موقر داشتند. زنان تایلندی، به عنوان مادر مورد احترام و تکریم زیادی بودند و در حقیقت در اکثر خانواده‌ها زنان حکمروا بودند.

رسم ازدواج در تایلند بر اساس قانون و سنن اجتماعی این کشور شکل یافته است. ازدواج یک قرارداد کاملاً حقوقی تلقی می‌گردد. اگرچه از زمان رامای چهارم (۱۸۶۸ - ۱۸۴۴ میلادی) رضایت زن در ازدواج یک شرط بوده است، ولی ازدواجهای اجباری (یعنی ازدواجهایی که بدون رضایت دختر و پسر باشد) مانند گذشته، امری عادی است. معمولاً مرد پس از ازدواج، عضو خانواده همسر محسوب گردیده و زیر نظر مادر زن و تحت اختیار پدر زن می‌باشد. آنها پس از تولد اولین فرزندشان منزل والدین زن را ترک نموده و به خانه خودشان می‌روند. پس از استقرار در خانه جدید، شوهر با اختیارات بیشتری رئیس خانواده می‌گردد.

وظیفه مراقبت از فرزندان به عهده زن بوده و زن بایستی به شوهرش وفادار باشد و برای حفظ خانواده فداکاری کند.



در غیراین صورت، از نظر اجتماعی مذمت گردیده و مطلقه به حساب می‌آید. معهذاً، طی سالیان گذشته حق قانونی شوهر برای تنبیه همسر تا حد زیادی اهمیت خود را از دست داده است.

تفاوت زندگی در شهر با دیگر نقاط کشور تایلند در این است که در شهر، زنان متأهل نقش مهمی در تجارت و امور اجتماعی و امور خانواده ایفا نموده و خود را در کلیه امور سهیم می‌دانستند. شعبات آنها در خانواده نقش برجسته‌ای داشته و امور مالی خانواده را در کنترل خود داشتند. در قدیم تعدد زوجات مجاز شمرده می‌شد؛ اما بر خلاف اعضاوت مردم، این مسأله جز در طبقه اشرافی و مردانی که قادر به فراهم نمودن امکانات برای چند خانواده بودند صورت نمی‌پذیرفت. در این زمینه قانون، زنان (همسران) را به چند طبقه تقسیم کرد. برای مثال، زن اصلی از نظر قانون ارث، سهم بیشتری از ارث نصیب می‌شد. قانون ازدواج سابق

تایلند بر اساس اشتراک در اموال بی ریزی شده بود و طبق آن زنان وضع بهتری داشتند؛ زیرا در قدیم، زنان متأهل در اموال Sin Borikon یعنی کلیه اموال شریک بودند.

در قدیم، زن و شوهر حق مساوی در تصاحب یعنی کلیه اموال را داشته و می توانستند جهت رسیدن به سهم خود، علیه دیگری به دادگاه شکایت کنند. در هنگام طلاق، اموال قبل از ازدواج (Sin Derm) به صاحب اصلی اش عودت داده می شد و اموالی که جزء Sin Somord به حساب می آمد به نسبت دو سوم برای مرد و یک سوم برای زن تقسیم می گردید. در صورتی که کلیه Sin Drem متعلق به مرد بود وی صاحب کلیه اموال Sin Broikor می گشت؛ اما اگر زن، صاحب Sin Drem بود اموال Sin Borikon به نسبت دو سوم برای مرد و یک سوم برای زن تقسیم می گشت. نابرابری در تقسیم Sin Borikon به این دلیل بوده است که در آن ایام، مرد مسئول مستقیم کلیه امورات زندگی مشترکشان بوده و می بایست سهم بیشتری ببرد. پس از مرگ، تقسیم Sin Borikon - خصوصاً در رابطه با زمینی که جزء Sin Borikon به حساب می آمد -

اندکی تفاوت داشت بدین صورت که زمین، بین وراثت و یکی از بازماندگان (زن و یا شوهر) به طور مساوی تقسیم می شد. سند ازدواج تنها با مرگ و یا طلاق توسط قانون باطل و یا نسخ می گردد. در قانون، ازدواج یک قرارداد دو جانبه تلقی می گردد و همانند موافقتنامه های دیگر، اگر به خوبی به پایان نرسد بایستی قابل فسخ باشد. بنابراین، طلاق ممکن است با رضایت طرفین و یا حکم دادگاه. در مواردی که قانون پیش بینی کرده است - صورت گیرد. شایان توجه است که تعداد مواردی که زن می تواند تقاضای طلاق نماید بیشتر است؛ جنایت، رفتار ناشایست و وحشیانه شوهر با همسر و یا والدین همسر و یا از دست رفتن حقوق قانونی زن توسط شوهر، از مواردی است که زن می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

مردی که همسرش مورد تجاوز قرار گرفته است، می تواند علیه زانی ادعای خسارت نماید و چنانچه شکایت مورد تأیید دادگاه واقع گردد، زن مطلقه محسوب شده و احتیاجی به طی

*** زنان تایلندی در طول سالیان دراز، علی رغم آزادی محدود، نفوذ زیادی بر مردان داشتند و براساس قانون، مردان رفتار مهربان و موقری با زنان داشتند.**



مراحل دیگر ندارد. (اگر مردی زنش را به همراه زانی در حال زنا به قتل برساند، مورد عفو دادگاه قرار می‌گیرد. این بند در قانون جزایی ذکر نگردیده است).

زن در خانواده

در اکتبر سال ۱۹۳۲، قانونی به تصویب رسید که تعدد زوجات برای مردان را ممنوع نموده است. ولی تعدد زوجات، جرم جنایی محسوب نگردیده و هنوز مواردی از آن دیده می‌شود. همان طور که اشاره شد مرد پس از ازدواج، رئیس خانواده محسوب می‌گردد و حق انتخاب محل سکونت با اوست. بنابر قانون اساسی تایلند، زن و مرد پس از ازدواج بایستی همانند زن و شوهر عمل کنند و طبقه زن، زندگی در محل سکونت مرد می‌باشد. اگر شوهر، خانه‌ای در بیرون از کشور داشته باشد زن می‌تواند از او پیروی نکند. در صورتی که شوهر دارای مکان مشخصی نباشد، زن می‌تواند اقامتگاه جداگانه‌ای انتخاب کند. زن متأهل، حق تقاضای گذرنامه جهت سفر به خارج از کشور، بدون کسب رضایت از شوهر را ندارد. این قانون، از دیر باز تاکنون تغییری نیافته است و این در حالی است که دختر، پس از رسیدن به سن قانونی (۲۰ سال) می‌تواند گذرنامه دریافت نماید.

عوامل مؤثر بر سیمای زن در خانواده

در تایلند، هیچ عامل اجتماعی به طور اساسی بر سیمای زن در خانواده تاثیر نمی‌گذارد. در اینجا، ضروری به نظر می‌رسد که به تعدادی از عوامل تاثیرگذار بر سیمای زن - در سال حاضر و در گذشته - اشاره داشته باشیم. تمصباتی که از قدیم، نسبت به زنان و حتی در بین خود آنها بوده است قابل انکار نمی‌باشد. آنها معتقدند که به جز در مواردی محدود در رابطه با مراقبت از خانه و کودکان که از وظایف اصلی آنها می‌باشد از مردان پست‌ترند. متأسفانه، این تصور غلط در جامعه وجود دارد ولی تجربه نشان داده است که زنان متخصص و غیر متخصص قادرند در جامعه، همانند مردها انجام وظیفه نمایند. آموزگاری، حسابداری و پزشکی مثالهای خوبی در این زمینه‌اند و برای بعضی از مشاغل مثل پرستاری، زنان مناسب‌ترند.

در تایلند، تا آنجا که به ماهیت مشاغل مربوط می‌گردد، زنان در رابطه با انتخاب شغل، حقوقی برابر با مردان دارند. اما به خاطر تمصبات موجود، رقابت با مردان بی‌نهایت برای آنها مشکل است. برای بهبود این وضعیت ناخوشایند، پیشنهاد شده است که نظریات مردم اصلاح گردد و زنان نیز خودشان ثابت کنند که از عهده چه کارهایی بر می‌آیند. می‌بایست تواناییها و پیشرفتهای زنان در تمام زمینه‌ها، بر اساس ارزش واقعی آنها ارزیابی گردد. کمیته ملی زنان تایلند، برای بالا بردن پرستیژ و رفاه، زنان کشور فعالیتهای زیادی داشته ولی تا جاییکه به رفاه و حقوق زنان مربوط است احتیاج فوری به تغییر قانون نمی‌باشد و تجدید نظر در نحوه اجرای قانون - خصوصاً در رابطه با کمک و راهنماییهای حقوقی - ضروری است و اگرچه در تئوری گفته می‌شود که همه در مقابل قانون یکسان بوده و طرفین دعوا در دادگاه بر روی یک سکو می‌ایستند اما واقعیت این است که یک قانون برای تروتمندان نوشته شده است و یک قانون برای فقرا. حداقل، این موضوع در رابطه با زنان ازدواج کرده که دارای اموال شخصی می‌باشند صحت دارد؛ زیرا نمی‌توانند مخارجی که آنها را به حقوق قانونیشان می‌رساند متحمل گردند. کمکهایی که توسط دستگاه قضائی جدید به آنها شده است در مقابل بی‌عدسثیتهایی که به آنها می‌شود بسیار کم است. به هر بیعت، کارکنان دولت و انجمن زنان حقوقدان و سازمانهای افتخاری وابسته به کمیته ملی زنان تایلند در تلاشند که این نکات منفی را از بین ببرند. انجمن فوق، راهنماییهای حقوقی را به طور مجانی در اختیار کسانی قرار می‌دهد که مشکلات شخصی و یا عملی از هر نوع داشته باشند و می‌تواند زنان حقوقدان، همانند مشاور عمل می‌کند.

قانون کنونی خانواده و رسومات

کشاورزان روستائین که اکثریت (۸۰٪) جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و ستون جامعه به حساب می‌آیند، شکل غالب جامعه را بیشتر روستایی نموده‌اند تا شهری. بقیه جمعیت این کشور (شهرنشینان)، متشکل از گروههای کوچکی از اشراف زادگان، کارمندان دولتی، تجار،



قانون مدنی و تجاری جدید، که ضمن تنظیم نمودن قوانین مربوط به ازدواج، طلاق و وراثت، اصلاحات چندی را در قوانین ازدواج و وراثت قدیم صورت داده است. مضامین جدیدی را در زمینه زناشویی مطرح نموده است. یکی از بندهای قانون جدید، ثبت ازدواج به عنوان یک ضرورت برای اعتبار ازدواج می باشد. در حقیقت اجزای قوانینی که در قانون جدید مربوط به حقوق اجتماعی زن می شود نتیجه خوبی داشته است.

از طرفی، از آنجائیکه بر اساس این قانون ازدواج با پیش از یک زن ممنوع می باشد، هم بزرگی برای آزادی زنان برداشته شده است (البته زنان و فرزندان افرادی که قبل از سال ۱۳۲۵ میلادی، یعنی قبل از تصویب قانون جدید با چند زن ازدواج نموده اند قانونی می باشند).

ازدواج زن و مرد در یک طبقه خونری که در آن ازدواج ممنوع است؛ مثل نسل مستقیم (فرزند و نوه و ...)، یا برادر و خواهری که کاملاً هم خون و یا نیمه هم خون باشند غیر

مستحکمان، مغازه داران و توده کارگران ماهر و غیر ماهر می باشند. البته در سالهای اخیر، درصد شهرنشینان به طور چشمگیری رو به افزایش نهاده است.

اوضاع اقتصادی و اجتماعی روستاها، تغییر چندانی نکرده است و روستائیان، هنوز رسوم اجتماعی اجدادشان را اجرا می کنند. البته، اوضاع اجتماعی و اقتصادی بانکوک و شهرهای همجوار به علت تأثیر فرهنگ غرب و نیز فرصتهای اقتصادی و آموزشی پیش آمده، شدیداً تغییر کرده است و این موضوع، باعث از هم پاشیده شدن زندگی سنتی خانواده ها گردیده است.

امروزه، زنان شهرنشین استقلال بیشتری داشته و بعضاً قادرند به تنهایی زندگی خود را اداره نموده و در جستجوی منافع بیشتری در جامعه باشند. آنها حداقل از لحاظ تئوری، با مردان از حقوق مساوی برخوردار بوده و می توانند مشاغل دولتی گرفته و یا وارد دانشگاه شوند. امروزه، سنتی که زنان را در خانه محصور می کرد قوت خود را از دست داده است.

قانون ازدواج سابق تایلمند، بر اساس اشتراک در اموال پی ریزی شده بود و طبق آن، زنان وضع بهتری داشتند و در کلیه اموال شریک بودند.

بر خلاف قوانین رسمی کشور حقوق زنان تایلمندی، در عمل رعایت نمی شود.

قانونی است و توسط دادگاه باطل شمرده می شود. همچنین اگر در زمان ازدواج یکی از طرفین دیوانه باشد ازدواج باطل است. در صورتی که یکی از زوجین با شخص دیگری ازدواج نماید، ازدواج باطل است و در این خصوص نمی توان تنها به گفته طرف مقابل مبنی بر اینکه همسرش فوت نموده است اعتماد کرد. زن بوه (شوهر مرده)، با مطلقه، تا قبل از ۲۱۰ روز از زمان طلاق و یا فوت همسر، حق ازدواج ندارد؛ مگر اینکه بچه‌ای به دنیا بیاورد یا بخواهد به شوهرش رجوع نماید و یا دادگاه به وی اجازه ازدواج بدهد. هیچ ازدواجی، حتی اگر با انجام مراسم مذهبی صورت پذیرفته باشد، قانونی نیست مگر اینکه، در ادارات ثبت دولتی و یا نزد مسئول ثبت ازدواج به ثبت رسیده باشد.

۱) حقوق قانونی زن مجرد

در قانون، زن مجرد از هر نظر حقوق مساوی با مرد مجرد دارد. اما زنان، از تصدی بعضی پستهای قضاوت مثل دادگاه شهرستان و دادگاه استیناف و دادگاه عالی مسردم می باشند. البته با داشتن مدارک لازم می توانند به عنوان قاضی دادگاه ناحیه‌ای کودکان نابالغ و یا به عنوان قاضی شورای مرکزی کودکان نابالغ انجام وظیفه نمایند.

۲) تاثیر ازدواج بر حقوق قانونی زن

قرارداد ازدواج، یک شخصیت قانونی جدیدی به طرفین اعطا می کند که بر اساس آن، شوهر رئیس خانواده می گردد و حق انتخاب مکان سکونت با شوهر بوده و زن موظف است که با وی زندگی نماید.

یکی از اصول قانون اساسی تایلمند چنین می گوید که زن و مرد بایستی همانند یک زن و شوهر عمل نمایند. به هر حال زن پس از ازدواج موظف است در خانه شوهر بماند و محل اقامت همان منزل شوهر می باشد. اما شوهر نمی تواند زن را مجبور نماید که در مکانی خارج از کشور زندگی نماید و اگر شوهر دارای منزل نبود و یا اینکه مکان مشخصی نداشته باشد، زن می تواند مکان مسکونی مستقل اختیار نماید. طبق بخش ۱۳ قانون اساسی اشخاص، مصوبه ۱۹۱۱ میلادی، پس از ازدواج اسم قاضیل شوهر را بر روی زن می گذارند.

طبق ماده یک حکم سلطنتی در قانون عناوین پیشوند نام زنان، صادره در سال ۱۹۱۷، پس از ازدواج پیشوند «نانگ» (Nang) یعنی خانم، به نامش بیرونده می شود (یعنی دوشیزه) می گردد.

زنان بیه، معمولاً نام خانوادگی همسر قبلی خود را حفظ می کنند؛ اما در صورت تمایل می توانند نام قبلی خود را نیز انتخاب نمایند. طبق قانون ملیت، مصوبه سال ۱۹۱۰ میلادی، اگر یک زن خارجی با مرد تایلمندی ازدواج نماید حتی اگر تقاضا هم نموده باشد شهروند تایلمندی محسوب نمی گردد.

همچنین طبق قانون ملیت، مصوبه سال ۱۹۵۲، اگر زن تایلمندی با مرد خارجی ازدواج نماید، ملیت خود را از دست نخواهد داد؛ مگر اینکه طبق قانون کشور شوهرش، بایستی ملیت آن کشور را قبول نماید که در این صورت، زن می بایست در اداره ثبت ازدواج از ملیت تایلمندی انصراف دهد. وظیفه زن و شوهر، حمایت از یکدیگر است اما قانون

حق تصمیم‌گیری را به مرد داده است. زن متأهل، بدون اجازه شوهر نمی‌تواند تجارت نموده و یا سفلی انتخاب نماید. اما اگر قبل از ازدواج، دارای شغل و یا تجارت بوده باشد بدون اجازه شوهر، می‌تواند آن را ادامه دهد. زن و شوهر، می‌توانند در زمان ازدواج و یا تا یکسال پس از جدایی، قراردادی که در زمان ازدواجشان منعقد شده است را رد نمایند به شرط اینکه لطمه‌ای به شخص سوم وارد نیاید.

طلاق و اثرات اجتماعی آن

بر اساس قانون طلاق فعلی تأیید به دو طریق زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر جدا شوند:

۱- با رضایت طرفین ۲- با حکم دادگاه.

طلاق با رضایت طرفین

زوجین می‌بایست با رضایت کامل، در اداره ثبت و یا در برابر مسئول ثبت ازدواج حاضر گردیده و رسماً از یکدیگر جدا شوند. این نوع طلاق، زمانی صورت می‌گیرد که زوجین نتوانسته باشند با یکدیگر توافق نمایند و امکان زندگی برایشان نباشد. از لحاظ افکار عمومی، اصرار برای نگهداشتن ازدواجی که منجر به شکست شده و راهی برای اتحاد مجدد وجود ندارد، باعث ایجاد یک وضعیت نامساعد می‌گردد که برای جامعه و فرزندان آنها خطرناک خواهد بود. زیرا حفظ این گونه ازدواجها، باعث بوجود آمدن فرزندان ناخواسته، غیر قانونی و ... می‌گردد که معروف به «موراد هتلی» می‌باشد. اگر این گونه ازدواجها به طور قانونی منحل نگردد نتایج نامطلوبی در پی خواهد داشت. بخصوص که اکثراً دوست دارند زندگی شخصی آنها از دیگران پوشیده باشد. البته شکست این پیوندها، باعث محرومیت کودکان از رفاه و امنیت و مهر و محبت والدین می‌گردد؛ اما در این گونه موارد بهتر است کودکان تنها با یکی از والدین خود زندگی نمایند نه در یک جو نامساعد.

طلاق به وسیله حکم دادگاه

هر کدام از زوجین به یکی از دلایل ذیل، حق تقاضای طلاق از دادگاه را دارد:

- زنی زنده بدعاصلاتی، وحشیگری، لعانت به بستگان همسر،

ترک همسریه مدت حداقل یک سال، عدم توانایی در فراهم نمودن مکان مناسب برای زندگی و عدم حمایت همسر، ارتکاب به عملی ضد روابط زناشویی، زندانی بودن همسر برای جرمهای مشخص (مثل زدوی و ...) و یا زندانی شدن همسر برای بیش از سه سال، ظن قوی بر فوت یکی از زوجین، دیوانگی غیر قابل علاج، ثابت کردن این واقعیت که یکی از طرفین به مدت سه سال رفتار نامناسب داشته و ادامه زندگی را غیرممکن ساخته است، رفتار ناپسند یکی از طرفین، بیماری لاعلاج و مسری و شمشترکننده که سلامتی زوج شاکی را به خطر بیندازد و ناتوانی جنسی یکی از طرفین، ارائه مدارک و شواهد کافی توسط متشاکی در رد ادعای شاکی، می‌تواند از صدور حکم طلاق جلوگیری کند.

ضمناً اگر زن و شوهر یکدیگر را دوست نداشته و از هم مراقبت ننمایند می‌توانند با رضایت کامل از یکدیگر جدا گردند. در صورت عدم توافق، زن می‌تواند از موارد دیگر مثل برفتاری همسر استفاده نموده و حکم دادگاه را اخذ نماید.

لغو ازدواج

سه نوع ازدواج زیر ناقص و باطل شمرده می‌شود: ۱- ازدواجهایی مثل ازدواج خواهر و برادر که کاملاً باطل است، ۲- ازدواجهایی که قابل ایستاب است و ازدواجهای غیر قانونی. ۳- ازدواجهای ذیل از لحاظ قانون باطل شمرده می‌شود: ۴- ازدواج در بین افراد هم خون و یا نیمه هم خون، ازدواج با کسانی که قبلاً ازدواج کرده و هنوز به قوت خود باقی است، ۵- ازدواج با افراد دیوانه که علاج ناپذیرند و ازدواج با کسی که راضی نبوده است. ایستاب از ازدواج با کسانی که از روی اشتباه یا اکراه رضایت دهند.

ازدواجهای غیر قانونی به شرح زیر است:

ازدواج با مردانی که زیر هفده سال سن دارند و ازدواج با زنانی که زیر پانزده سال سن دارند، ازدواجی که به ثبت نرسیده باشد، ازدواج با کسانی که به سن قانونی نرسیده و نتوانستند رضایت والدین و یا قیم را جلب نمایند، غیر قانونی می‌باشد. اما دادگاه حکم بی اعتباری ازدواجهایی که

یکی از زوجین، زیر سن قانونی بوده ولی رضایت والدین را کسب نموده باشد، و نیز کسانی که به سن قانونی رسیده و یا زن، قبل از رسیدن به سن قانونی حامله شده باشد حتی در صورت تقاضای والدین و یا قیم را صادر نخواهد کرد. در موارد اخیر، فرض بر این است که ازدواج از ابتدا قانونی بوده است. کسی نمی‌تواند ادعا کند که ازدواج باطل و یا قابل ابطال است مگر این که توسط دادگاه اعلام گردد. لغو این گونه ازدواجهای، صدمه‌ای به حقوق زوجین که با نیت خیر ازدواج کرده‌اند وارد نخواهد آورد. اگر یکی از زوجین بی‌گناه شمرده شود حق ادعای غرامت از طرف مقصر را دارد. همچنین، اگر زن بیگناه باشد می‌تواند مخارج خود را از شوهر (مقصر) طلب نماید. کودکان متولد شده از این نوع ازدواجهای، قانوناً متعلق به هر دو طرف می‌باشند. به علاوه الغای ازدواجهای غیر قانونی، صدمه‌ای به حقوق شخص ثالثی که درست عمل کرده باشد وارد نخواهد کرد.

جدایی

دادگاه، حکم جدایی را بر اساس تقاضای زن و یا شوهر که زندگی مشترکشان، سلامتی و سعادت دیگری را به مخاطره انداخته است صادر خواهد نمود. ممکن است مادامی که خطر احساس می‌گردد دادگاه دستور دهد زن و شوهر جدایی از یکدیگر زندگی نمایند. در این قبیل موارد، دادگاه ممکن است با توجه به شرایط و صلاحیت خود دستور دهد که یکی از زوجین، مخارج دیگری را تأمین نماید.

اگرچه قانون مدنی و تجاری، برای جبران حقوق زنان و پیش‌بینی‌های لازم را ننموده است اما تصریح می‌کند که با استفاده از بند ۱۴۵۵ قانون، زن و شوهر می‌توانند مجدداً زندگی مشترک خود را از سرگیرند. قانون، همچنین تصریح نموده است که زن و شوهر می‌توانند با توافق یکدیگر، به طور مجزا نیز زندگی نمایند. قرارداد ازدواج زوجینی که با حکم دادگاه و یا توافق به‌طور جداگانه زندگی می‌کنند، به قوت خود باقی خواهد ماند. اما وظیفه آنها، همکاری در رفع مشکل موجود می‌باشد. در واقع، زوجینی که جداگانه زندگی

*** جرایم کشور تایلند بارها اعلام نموده‌اند که بیش از ۸۰۰ هزار فاحشه خردسال (زیر ۱۵ سال) در مراکز فحشا حضور دارند.**



را انکار نماید. به تدرت به زنان فرصت ترقی و احراز مقامات بالا داده می‌شود؛ مثلا هیچ زنی تا کنون نتوانسته است پست قضاوت دادگاههای عالی و یا دادگاههای شهرستان، به غیر از دادگاه کودکان نابالغ را احراز نماید. زنان از احراز پستهای قضاوت در سطح بالا باز داشته شده‌اند.

در مشاغل غیرحرفه‌ای مثل ساختمان سازی، نقاشی، تولیدی و کشاورزی تعداد زنان، اندکی کمتر از تعداد مردان به نظر می‌رسد. سازمان رفاه کارگران که تحت نظر بخش کار وابسته به وزارت کشور فعالیت می‌نماید یک سری قوانین در رابطه با ساعات کار، پرداخت دستمزد و ایام تعطیلی اعلام نموده و از زنان و کودکان شاغل حمایت ویژه‌ای می‌نماید. ماده ۳۱ قانون وزارت کشور، زنان کارگر را در زمان انجام وظیفه از تمیز کردن ماشین آلات ممنوع نموده و زنان را از کار بر روی داربست‌هایی که بیش از ۱۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد باز داشته است.

طبق ماده ۳۲ قانون وزارت کشور، زن نایبیت وزنه‌ای بیش از ۲۰ کیلوگرم در سطح زمین را حمل نموده و یا وزنه‌ای بیش از ۲۵ کیلوگرم در سطح بالاتر از زمین را حمل نماید و رانندگی ماشین‌هایی که بیش از ۶۰۰ کیلوگرم و گاری که بیش از ۳۰۰ کیلوگرم بار حمل می‌کند برای زنان ممنوع است.

دستران زیر ۱۸ سال از کارکردن در بار، کنوب، سینه، سینه‌های ماساژ و عطرها منع شده‌اند. و کودکان زیر ۱۲ سال، حق استخدام شدن ندارند. کودکان بین ۱۲ تا ۱۴ سال تنها می‌توانند شغل‌های سبک مثل ارسال جراید و گل فروشی و یا جسیم کردن توپ در زمینهای بازی را انتخاب کنند و مجاز نیستند که وزنه بیش از ۱۰ کیلوگرم را حمل نمایند. (متأسفانه این قوانین، تنها در کتاب قانون است و هرگز اجرا نشده است؛ زیرا جراید این کشور برهه‌ها اعلام نموده‌اند که بیش از ۸۰۰ هزار قاشقه شرفصل (زیر ۱۵ سال) در مراکز فعلی وجود دارد. در این کشور، هیچ‌کس وجود دارد که حتی دستران زیر ۱۲ سال در آنها تن فروشی می‌کنند. در مزارع، کشتزارها و در مراکز تولیدی، کودکان زیر ۱۲ سال نیز به وفور دیده می‌شوند.)

زنان می‌توانند به هر شغلی که علاقه‌مند باشند وارد شوند و هیچ قانونی، قادر به جلوگیری از آنان نمی‌باشد.

اولین قانون ازدواج کشور تا ایند در سال ۱۳۶۲ میلادی، مقارن با حکومت شاه چاکرپادی (سلسله آبو تایا) وضع گردید که از آن تاریخ تا عصر جدید، تغییر چندانی در آن صورت نپذیرفته است.

می‌کنند مطلقه محسوب نگردیده و این امر بدان معنی نیست که حقوق یکی، به نفع دیگری پایمال گردد.
زن در سیاست

از سال ۱۹۳۲، زمانی که تا ایند دارای قانون اساسی شد زنان، همانند مردان دارای حق رأی بوده و می‌توانند کاندیدای انتخابات عمومی گردند.

زنان در تجارت و مشاغل
زنان، مانند مردان می‌توانند به هر شغلی که علاقه‌مند باشند وارد شوند و هیچ قانونی، قادر به جلوگیری از آنان نمی‌باشد مگر این که ماهیت کار، به نحوی باشد که زن نتواند آن را انجام دهد؛ مثل بعضی از بخشهای نیروهای مسلح، که قدرت بدنی پرسنل مورد نظر می‌باشد. به هر حال کسی نمی‌تواند تعصبات سنتی موجود علیه زنان در نیلی از مشاغل